



فصلنامه علمی مطالعات پیشگیری از جرم

سامانه: cps.jrl.police.ir | doi: 10.22034/CPS.2021.209682.1314

ارزیابی کفایت قوانین و مقررات نفتی ایران از منظر پیشگیری از جرم و مبارزه با فساد

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۵/۱۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۱۶

نوع مقاله: پژوهشی

اعظم احمدی^۱

محمود مالمیر ✉^۲

چکیده

زمینه و هدف: در راستای جاری سازی الزام قانونی ارزیابی قوانین مقررات به منظور بررسی کفایت آن‌ها از منظر پیشگیری از جرم و مبارزه با فساد، این پژوهش با پرداختن به اسناد قانونی ایران در حوزه نفتی به این سؤال پاسخ داده که آیا قوانین و مقررات نفتی کفایت لازم برای پیشگیری از جرم و مقابله با فساد را دارد یا خیر. ارزیابی قوانین و مقررات نفتی منجر به این نتیجه شده که قوانین و مقررات نفتی کفایت لازم برای پیشگیری از جرم و مقابله با فساد را ندارد؛ زیرا قانونگذار از طرفی انعقاد قراردادهای نفتی و تعیین شرایط اساسی قراردادهای را هم‌زمان به وزارت نفت، واگذار نموده و از طرف دیگر، الزامی برای تصویب قراردادهای منعقد شده با شرکت‌های داخلی و خارجی توسط قوه مقننه تعیین نکرده است.

روش: پژوهش حاضر به روش توصیفی و تحلیلی انجام شده است.

نتایج و یافته‌ها: الزام به توسعه میداین نفتی از طریق طراحی الگوهای جدید قراردادی از جمله مشارکت با سرمایه‌گذاران و پیمانکاران داخلی و خارجی در کنار امکان انعقاد قراردادهای انحصاری و بلندمدت نفتی بدون لزوم اخذ تضمینات اجرایی، همچنین عدم شفافیت در قراردادهای نفتی، اهمیت بازنگری قوانین و مقررات نفتی با رویکرد پیشگیری از جرم و مقابله با فساد بیش از پیش آشکار می‌سازد. ارزیابی قوانین و مقررات نفتی ایران با رویکرد پیشگیری وضعی و به منظور بررسی کفایت آن‌ها از لحاظ پیشگیری از جرم و مبارزه با فساد در قراردادهای نفتی منتج به این نتیجه شد که این قوانین، کفایت لازم برای پیشگیری از جرائم نفتی را ندارد.

کلیدواژه‌ها: بازنگری قوانین، پیشگیری وضعی، قراردادهای نفتی، قوانین و مقررات نفتی، مبارزه با فساد.

* استناددهی (APA): احمدی، اعظم؛ مالمیر، محمود. (۱۴۰۰). ارزیابی کفایت قوانین و مقررات نفتی ایران از منظر پیشگیری از جرم و مبارزه با فساد. فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، ۱۶(۶۱)، ۸۵-۶۵.

http://cps.jrl.police.ir/article_97423.html

۱. دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.
رایانامه: ahmadiazam110@gmail.com

۲. دانشیار گروه حقوق کیفری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران.
رایانامه: Dr.malmir1@gmail.com





مقدمه

آسیب‌شناسی قوانین و مقررات به عنوان یکی از ابزارهای پیشگیری وضعی^۱ علاوه بر ایفای نقش مستقیم در اصلاح جامعه، می‌تواند به صورت غیرمستقیم با ریل‌گذاری مسیر عملکرد سایر دستگاه‌های اجرایی، قضایی، امنیتی و انتظامی در حذف علل و بسترهای اجتماعی ارتکاب جرم نقش ایفا کند. به عبارت دیگر، قانونگذار می‌تواند با وضع قوانین کارآمد علاوه بر پیشگیری از جرم با جرم‌انگاری از طریق ایجاد تکالیف قانونی بر سایر دستگاه‌های قضایی و اجرایی مسیر را بر وقوع جرم ببندد (حسینی، ۱۳۹۷: ۹۱).

علاوه بر الزام عقلی در اجرای دستاوردهای پیشگیری وضعی در حوزه قوانین و مقررات، کشور ایران با توجه به الحاق به کنوانسیون مریدا^۲، از لحاظ قانونی نیز موظف به ارزیابی متناوب اسناد قانونی، از منظر تعیین کفایت آن‌ها برای پیشگیری از جرم و مبارزه با فساد می‌باشد؛^۳ زیرا تدوین‌کنندگان پیمان مبارزه با فساد، به کارگیری تدابیر موقعیت‌مدار شامل شفاف‌سازی، ایجاد سازوکارهای منسجم نظارت‌کننده، پیش‌بینی و راه‌اندازی فرآیند گزارش‌دهی در زمینه درآمدها و هزینه‌ها، اصلاح مقررات و برطرف کردن خلاءهای قانونی را به عنوان شیوه‌های مناسب برای پیشگیری از فساد در شمار تکالیف دولت‌های عضو گنجانده (نیازپور، ۱۳۹۲: ۶۹).

لازم به ذکر است علاوه بر کنوانسیون مریدا از اقدامات قانونگذار در زمینه مبارزه با فساد، تصویب قانون ارتقای سلامتی اداری و مقابله با فساد است^۴ که می‌توان گفت تحت تأثیر کنوانسیون مریدا به تصویب رسیده است.^۵ قانون مذکور، ارزیابی قوانین کیفری به منظور بررسی تناسب

۱. پیشگیری وضعی به عنوان یکی از روش‌های پیشگیری اولیه به مجموعه تدابیری اطلاق می‌شود که کاهش و حذف موقعیت‌ها و فرصت‌های ارتکاب جرم را سرلوحه اقدامات خود قرار داده است. این پیشگیری کنشی و غیر کیفری بوده و فرآیند‌گذار اندیشه مجرمانه به عمل را با مانع مواجه می‌نماید و از جذابیت رفتار مجرمانه می‌کاهد. (بابایی، محمدعلی؛ نجیبیان، علی، ۱۳۹۰: ۱۴۷).

۲. کنوانسیون مریدا در تاریخ ۹ آبان ۱۳۸۲ برابر ۳۱ اکتبر ۲۰۰۳ به تصویب رسیده و متعاقباً کشور ایران بر اساس قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد در تاریخ ۲۰ مهر ۱۳۸۷ مصوب مجلس شورای اسلامی، به آن ملحق شده است.

۳. بند ۳ ماده ۵ کنوانسیون مریدا: هر کشور عضو تلاش خواهد نمود تا به صورت متناوب اسناد قانونی مربوط و اقدامات اداری را از نظر تعیین کفایت آن‌ها برای پیشگیری و مبارزه با فساد ارزیابی نماید. ماده ۲۷ کنوانسیون نیز ملاحظه شود.

۴. قانون ارتقای سلامت نظام اداری و مبارزه با فساد در تاریخ ۱۷ اردیبهشت ۱۳۷۸ به صورت آزمایشی به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید و در تاریخ ۷ آبان ۱۳۹۰ از سوی مجمع تشخیص مصلحت نظام موافق با مصالح نظام تشخیص داده شد؛ به دنبال پایان یافتن دوره آزمایشی آن تمدید آن موافقت گردیده و «قانون دائمی نمودن قانون ارتقای سلامت نظام اداری و مقابله با فساد» در جلسه علنی ۶ بهمن ۱۳۹۸ به مجلس تقدیم و در تاریخ ۱۲ شهریور ۱۳۹۹ موافق با مصالح نظام تشخیص و در تاریخ ۱۸ بهمن ۱۳۹۹ جهت اجرا ابلاغ شد.

۵. قانون ارتقای سلامت نظام اداری بر اساس کنوانسیون بین‌المللی مبارزه با فساد و تحت تأثیر آن تدوین و به تصویب رسیده است (نظری نژاد، محمد رضا؛ اسفندیاری فر، خشایار، ۱۳۹۵: ۲۱۲).



جرائم با مجازات‌ها را مدنظر قرار داده؛^۱ و با استفاده از سامانه‌ها و زیرساخت‌های الکترونیک سعی در جاری‌سازی رویکرد ارتقای شفافیت دارد.^۲ همچنین، در راستای تحقق اهداف کنوانسیون مریدا انجام تمهیدات لازم برای توسعه و تقویت سازمان‌های مردم‌نهاد را در زمینه پیشگیری و مبارزه با فساد، الزام می‌نماید.^۳

به گواهی مطالعات انجام‌شده، نظام حقوق ایران، تعارض بنیادی با استانداردهای جهانی مبارزه با فساد ندارد، اما تطبیق بیشتر حقوق داخلی با اهداف کنوانسیون در حوزه‌های گوناگون برای اجرای معیارهای پذیرفته‌شده بین‌المللی در قوانین داخلی الزامی است (جلالی، قاسمی، ۱۳۹۴: ۲۸۱ و ۲۸۵). بنابراین، خواستگاه این پژوهش بازنگری قوانین و مقررات نفتی با رویکرد ارزیابی قوانین این حوزه از منظر پیشگیری از جرم و مبارزه مؤثر با فساد است. به عبارت دیگر، این نوشتار درصدد احصای جرائم و مجازات‌های نفتی^۴ و متعاقباً جرم‌انگاری جدید و ایجاد تورم کیفری در این حوزه نبوده، بلکه با ارزیابی مجموعه قوانین و مقررات نفتی با عینک ارتقای قوانین در راستای پیشگیری از جرم به دنبال تصویب قوانین کارآمد برای از میان بردن کاستی‌های قانونی، همچنین شناسایی گلوگاه‌های فسادزا به منظور سلب امکان ارتکاب هرگونه جرم و یا فساد می‌باشد.

با توجه به اهمیت صنعت نفت، همچنین با لحاظ پراکندگی قوانین و مقررات نفتی، در اسناد قانونی، ضمن ارزیابی یکپارچه قوانین از منظر امکان ارتکاب جرم یا فساد، به این پرسش پاسخ داده شده که آیا قوانین نفتی ایران کفایت لازم، برای پیشگیری از جرم و مبارزه با فساد را دارد یا ندارد؛ البته، فرض بر این است که قوانین نفتی با کفایت لازم برای پیشگیری از جرم را ندارد. نوآوری این تحقیق، ارزیابی اسناد قانونی نفتی از منظر تعیین کفایت آن‌ها برای پیشگیری از جرم و مبارزه با فساد می‌باشد؛ علاوه بر ارتقای قوانین از منظر پیشگیری وضعی ضمن شناسایی ساختارهای قابل‌بهبود اقدام به ارائه پیشنهادات سازنده در خصوص اصلاح قوانین گردیده، امید

۱. ماده ۱۱ قانون دائمی قانون ارتقای سلامت نظام اداری و مبارزه با فساد.

۲. ماده ۸ قانون پیش گفته.

۳. ماده ۱۰ قانون پیش گفته.

۴. جرائم موضوع حقوق کیفری نفت را بر اساس دو معیار می‌توان تقسیم نمود: ۱- موضوع و ماهیت جرم (از منظر صنعتی و فنی)، جرائم از لحاظ ماهیت به دو دسته تقسیم می‌شوند؛ اول: مرتبط با نفت که شامل هرگونه فعل و ترک فعلی می‌شود که قوانین مربوط به اجرای عملیات نفتی را نقض نماید و در معنای وسیع شامل جرائم مدنی حوزه نفت مثل سلب مالکیت بر منابع نفتی و هرگونه تخلف آیین‌نامه‌ای و دستورالعملی است. دوم، جرائم ضد نفت: این جرائم مربوط به ضمانت اجرای موجود در قراردادهای نفتی بوده و موضوع آن صنعت نفت و قراردادهای نفتی است. ماهیت این جرائم فنی و مهندسی است و مرتکبین آن افراد متخصص در این زمینه می‌باشند. مهمترین مصادیق آن عبارت است از جرم **سوآپ نفتی**، تخلف از مقررات HSE و سابوتاژ (خرابکاری)؛ ۲- زمان وقوع جرم، جرایم نفتی با لحاظ زمان وقوع به سه دسته تقسیم می‌شوند: اول، جرائم مرتبط با مرحله اکتشاف، دوم، جرائم مرتبط با مرحله تولید و سوم، جرائم مرتبط با مرحله توزیع و فروش؛ (خلجی، روح اله، ۱۳۹۴)

است این امر منجر به سیاست گذاری جامع در راستای پیشگیری از هرگونه جرم و فساد در قوانین و مقررات نفتی و نهایتاً، حفظ منافع ملی در این صنعت شود.

با ارزیابی قوانین و مقررات نفتی از منظر پیشگیری از جرم و مقابله با فساد، هفت مورد از ساختارهای معیوب قانونی استخراج گردید؛ این موارد شامل ۱. تک رکنی بودن فرآیند تصویب قراردادهای نفتی، ۲. اختیارات نامحدود در انعقاد قراردادهای نفتی، ۳. قراردادهای نفتی بلندمدت، ۴. اختیارات گسترده قائم به شخص، ۵. قراردادهای نفتی انحصاری، ۶. عدم اخذ تضمینات مناسب، ۷. محرمانگی در قراردادهای نفتی، است. قوانین دارای این ساختارها نه تنها کفایت لازم برای پیشگیری از جرم را ندارد، بلکه می تواند موجبات ارتکاب هر گونه جرم یا فساد را نیز فراهم نمایند؛ بنابراین، اصلاح و بازنگری تمامی قوانین حوزه نفت با هدف حذف و یا اصلاح هفت محور پیش گفته ضروری است.

روش

با توجه به ماهیت موضوع، پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و به لحاظ گردآوری اطلاعات، به روش اسنادی و از طریق مطالعه قوانین و منابع معتبر انجام شده و اطلاعات به دست آمده، به صورت توصیفی - تحلیلی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

یافته ها

۱. تک رکنی بودن فرآیند تصویب قراردادهای نفتی

شاید مؤثرترین اقدام در راستای اصلاح قوانین و مقررات نفتی به منظور جاری سازی پیشگیری از جرم و مبارزه با فساد، تعریف نقش مجلس به عنوان یک رکن برای تصویب قراردادهای نفتی باشد؛ بدین صورت که لازم الاجرا شدن قراردادهای نفتی پس از انجام مذاکرات دولت، مشروط به تصویب آن در مجلس شورا گردد؛ زیرا واگذاری کامل انعقاد قراردادهای نفتی به زیرمجموعه ای از دولت بدون تعریف یک نهاد نظارتی خارج از قوه مجریه امکان ارتکاب فساد را فراهم می سازد. با توجه به اهمیت موضوع نخست به اختصار سابقه تقنین در این خصوص و سپس، قوانین حاکم بیان می گردد.

کشورهای صاحب نفت با گذر زمان و عبور از قراردادهای امتیازی، همچنین در راستای تحقق بخشیدن به اندیشه ملی کردن صنعت نفت، مشروعیت انعقاد قراردادهای نفتی را منوط به تصویب نمایندگان خود در قوه مقننه دانستند؛ در حقوق ایران نیز، گام نخست به منظور ایجاد حق و تکلیف قانونی نمایندگان مجلس شورا برای نظارت بر انعقاد قراردادهای نفتی، با مشروط نمودن



اعتبار مذاکرات و قراردادهای نفتی خارجی، به اطلاع مجلس شورای ملی تحقق یافت.^۱ در گام بعدی و پس از ملی شدن صنعت نفت، نفوذ کلیه توافقات نفتی انجام شده توسط شرکت ملی نفت ایران، مشروط به تصویب در مجلس گردید.^۲ این تدبیر قانونی، با منوط نمودن لازم الاجرا شدن هر گونه توافق در زمینه قراردادهای نفتی، به تصویب مجلس، متعاقب تأیید هیئت وزیران، نظارت نمایندگان مردم بر این دست قراردادها را فراهم می نمود.

ساختار استوار قانونی سال ۱۳۳۶ در خصوص دورکنی بودن قراردادهای نفتی بین المللی به معنای لازم الاجرا شدن مذاکرات نفتی به شرط تصویب در مجلس شورا، دیری نپایید و با عدول از آن طی قانون نفت مصوب ۸ مرداد ۱۳۵۳ مجلس شورای ملی، با حذف نقش نظارتی مجلس بر قراردادهای نفتی، صرف تأیید هیئت وزیران برای تصویب قراردادهای پیمانکاری را کافی دانست؛^۳ البته، شاید بتوان تغییر رویکرد قانونگذار را با تغییر الگوی قراردادهای پیمانکاری توجیه نمود،^۴ زیرا در قراردادهای مجاز طبق قانون وقت، اختیارات سرمایه گذار از مشارکت، مدیریت و یا حتی مالکیت بر منابع نفتی به صرف انجام خدمات پیمانکاری محدودیت شده بود.

متعاقب پیروزی انقلاب اسلامی، در ادامه دیدگاه قانونگذار سال ۱۳۵۳ با نادیده انگاشتن وظیفه نظارتی مجلس شورای اسلامی در زمینه قراردادهای نفتی، به موجب قانون اساسی مقرر گردید: قراردادهای بین المللی منعقد فی مابین مجلس با دولت های خارجی به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد؛^۵ این در حالی است که از طرفی بیشتر شرکت های مهم نفتی غیردولتی اند و از طرف دیگر، برای فرار از تشریفات قانونی اصل پیش گفته، در عمل، شرکت های نفتی غیردولتی برای

۱ ماده ۲ قانون ممنوعیت دولت از مذاکره و عقد قرارداد راجع به امتیاز نفت با خارجی ها (مصوب ۱۱ آذر ۱۳۲۳ مجلس شورای ملی)، قانون نخست وزیر و وزیران می توانند برای فروش نفت و طرزی که دولت ایران معادن نفت خود را استخراج و اداره می کند، مذاکره نمایند و از جریان مذاکرات باید مجلس شورای ملی را مستحضر نمایند.

۲ ماده ۲ قانون مربوط به تفحص، اکتشاف و استخراج نفت در سراسر کشور و فلات قاره مصوب ۷ مرداد ۱۳۳۶ مجلس شورای ملی: شرکت ملی نفت ایران می تواند... هر مذاکره و هر گونه توافقی را که مقتضی بداند بر اساس مقررات و مصراحت این قانون و سایر شرایطی که مخالف با قوانین کشور نباشد، به عمل آورد و موافقت نامه مربوطه را تنظیم و امضا و به هیئت وزیران تقدیم نماید که در صورت تأیید برای تصویب به مجلسین تقدیم گردد. موافقت نامه هایی که به این طرز امضاء شود، پس از تصویب مجلسین و از تاریخ تصویب مزبور قابل اجرا خواهند بود.

۳ بند ۲ ماده ۳ قانون نفت ۱۳۵۳: قراردادهای مزبور بعد از تأیید هیئت وزیران به موقع اجرا گذارده خواهد شد.

۴ مطابق قانون نفت ۱۳۵۳، الگوی پیمانکاری به عنوان تنها روش قراردادی مجاز برای عملیات بالادستی معین گردید و روش عاملیت در تولید که در مشارکت های الگوی کنسرسیوم متداول بود، کنار گذاشته شد (امانی، حمیدزاده، ۱۳۹۴: ۱۶۶).

۵ اصل ۷۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (مصوب ۲۴ آبان ۱۳۵۸ مجلس خبرگان قانون اساسی): عهدنامه ها، مقاله نامه ها، قراردادهای موافقت های بین المللی باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد.



انعقاد قراردادهای نفتی گزینش می شدند.^۱ در واقع، نگارش قانون بدین نحو، با حذف عملی نظارت قوه مقننه، بر قراردادهای نفتی، موجبات قانونی عملکرد مستقل دولت، در انعقاد قراردادهای نفتی را فراهم کرد. بدیهی است این نحوه از قانون نویسی که تخصیص اکثر را سبب می شود، بستر ارتکاب جرم را فراهم می نماید و نیازمند اصلاح و بازنگری از منظر پیشگیری از جرم و مقابله با فساد می باشد.

قانون نفت ۱۳۶۶ به عنوان اولین قانون نفت کشور ایران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، در مقام ابهام زدایی از اصل ۷۷ قانون اساسی، برخلاف رویه^۲ نقش نظارتی مجلس را محدود به قراردادهای منعقد با دولت ها اعلام و در خصوص دیگر قراردادها که در عمل اکثریت قراردادها را تشکیل می دهند، به وزارت نفت اختیار کامل در انعقاد قراردادهای نفتی، اعطا نمود.^۳ دیگر موضوع مبهم و فساد آفرین این قانون بلا تکلیف بودن آیین نامه قراردادهای مهم نفتی تا سی سال پس از تصویب این قانون بود؛ بنابراین، طبق قانون نفت ۱۳۶۶ در کنار آیین نامه آن، قراردادهای نفتی، به محض انعقاد حتی بدون اطلاع هیئت وزیران لازم الاجرا هستند.^۴ همچنین، صرفاً موارد معین در قراردادهای مهم نفتی (نه متن کامل قرارداد)، باید به تأیید شورای اقتصاد برسد.^۵

۱ اجمال مفهومی موافقت نامه ها و قراردادهای بین المللی در قانون اساسی، موجب استفسار از شورای نگهبان در مقام مفسر قانون اساسی گردیده و این نهاد گرچه از معاهدات بین المللی تعریفی جامع و مانع ارائه نداده، اما شمول اصل ۷۷ قانون اساسی را در حالتی دانسته که موافقت نامه با هر عنوانی که داشته باشد، میان دولت ایران با سایر دولت ها یا سازمانی بین المللی منعقد شده باشد (خلف رضایی، ۱۳۹۵: ۲).

۲ قراردادهای نفتی پس از انقلاب قبل از قانون نفت ۱۳۶۶، طبق قوانین قبلی تنظیم و چارچوب قرارداد باید بر پایه قانون پیش بینی می شد؛ برای نمونه، ارسال رایگان نفت به سوریه در سال های نخست جنگ ایران و عراق، بر پایه قانون هر ساله پیش بینی می شد (عالی پور، ۱۳۹۴: ۲۴).

۳ ماده ۵ قانون نفت (مصوب ۷ مهر ۱۳۶۶ مجلس شورای اسلامی): انعقاد قراردادهای مهم فیما بین وزارت نفت یا واحدهای عملیات نفتی با اشخاص حقیقی یا حقوقی داخلی و خارجی و تشخیص موارد مهم تابع آیین نامه ای خواهد بود که با پیشنهاد وزارت نفت به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید. قراردادهای منعقد فی مابین وزارت نفت با دولت ها طبق اصل ۷۷ قانون اساسی عمل می شود.

۴ ماده ۳ آیین نامه تشخیص قراردادهای مهم نفتی و نحوه انعقاد آن (مصوب ۲۹ مهر ۱۳۹۶): وزارت نفت مکلف است وزارت امور خارجه را در زمان مقتضی در جریان انعقاد قراردادهای موضوع این تصویب نامه با طرف های خارجی قرار دهد.

۵ ماده ۲ آیین نامه تشخیص قراردادهای مهم نفتی: در انعقاد قراردادهای موضوع ماده ۱ این تصویب نامه، ضمن رعایت قوانین و مقررات حاکم بر معاملات شرکت ملی نفت ایران، رعایت موارد زیر نیز الزامی است: الف- در قراردادهای موضوع بندهای الف و ب ماده ۱ این تصویب نامه، موارد زیر باید به تصویب شورای اقتصاد برسد: ۱- ارزش قرارداد ۲- حجم گاز صادراتی ۳- قانون حاکم ۴- مدت قرارداد. ب- در قراردادهای موضوع بند پ ماده ۱ این تصویب نامه موارد زیر باید به تصویب شورای اقتصاد برسد: ۱- توجیه فنی، اقتصادی و زیست محیطی طرح ۲- برآورد مبلغ سرمایه گذاری، زمان بندی اجرا و بازپرداخت ۳- سقف تعهدات دولت ۴- دوره اجرای طرح و مدت قرارداد.



در ادامه این فضای ایجاد شده، قانونگذار قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت (مصوب ۲۷ بهمن ۱۳۸۰ مجلس شورای اسلامی) با تأکید بر حذف سازوکارهای نظارتی، تصویب شورای اقتصاد را محدود به توجیه فنی، اقتصادی و مالی قراردادها اعلام نموده^۱ و به وزارت نفت مجوز کلی انعقاد قراردادهای نفتی را اعطا کرد.^۲

قانون اصلاح قانون نفت (مصوب ۱ تیر ۱۳۹۰ مجلس شورای اسلامی)، در مقام تعیین تکلیف، در خصوص نظارت بر قراردادهای نفتی این امر را وظیفه هیئت عالی نظارت بر منابع نفتی برشمرده که با توجه به ساختار هیئت نظارت به عنوان زیرمجموعه‌ای از دولت^۳ این امر به مفهوم حذف هرگونه ساختار نظارتی مستقل برای نظارت بر قراردادهای نفتی است. همچنین، قانون مذکور در گامی بزرگ به عقب، شأن نمایندگان مردم را از تصویب قراردادهای نفتی به دریافت یک گزارش محرمانه مشروط و پس از تنفیذ قرارداد، کاهش داده است.^۴

قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت (مصوب ۱۹ اردیبهشت ۱۳۹۱ مجلس شورای اسلامی) با گسترش اختیارات اعطایی به وزارت نفت در رابطه با سرمایه‌گذاری در عملیات بالادستی مندرج در قوانین پراکنده قبلی،^۵ علاوه بر صدور مجوز فعالیت در عملیات بالادستی،^۶ نظارت و پایش

۱ ماده ۸۷ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب ۱۳۸۰/۱۰/۲۶: شرکت‌های دولتی موضوع ماده ۲ این قانون مکلف‌اند تمام طرح‌ها و پروژه‌های سرمایه‌گذاری از منابع داخلی بیش از هشت میلیارد ریال خود را، برای یک بار به تأیید شورای اقتصاد برسانند. این موضوع در قوانین دیگر مثل ماده واحده قانون اجازه به شرکت ملی نفت ایران جهت اجرای طرح‌های اکتشاف، توسعه و بهره‌برداری از میدان‌های نفت و گاز دریای خزر و ماده ۱۲۵ قانون برنامه پنجم توسعه، همچنین بند قاف تبصره ۲ قانون بودجه سال ۱۳۹۳ کل کشور نیز تکرار شده است.

۲ بند (۱) الف ماده ۱۲۵ قانون برنامه پنجم توسعه؛ این موضوع در آیین‌نامه تشخیص قراردادهای مهم نفتی و نحوه انعقاد آن (مصوب ۲۹ مهر ۱۳۹۶) نیز تکرار شده است.

۳ ماده ۲ قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت مصوب ۱۳۹۰: کلیه منابع نفتی جزء انفال و ثروت‌های عمومی است. اعمال حق حاکمیت و مالکیت عمومی بر منابع مذکور به نمایندگی از طرف حکومت اسلامی بر عهده هیئت عالی نظارت بر منابع نفتی است.

این هیئت متشکل از نه عضو و به صورت ترکیبی از نمایندگان قوای سه‌گانه تعریف شده؛ یک عضو از قوه قضاییه، دو عضو از قوه مقننه و مابقی اعضاء متعلق به قوه مجریه و دبیر آن نیز وزیر نفت است.

۴ قانون اصلاح قانون نفت، بند ۴ ماده ۷، از وظایف هیئت نظارت: ارائه گزارش سالانه به مجلس شورای اسلامی؛ ماده ۱۵ همان قانون: وزارت نفت متعهد است یک نسخه از قراردادهای نفتی که متضمن تعهدات بیش از پنج سال باشد را به صورت محرمانه به مجلس شورای اسلامی تسلیم نماید.

۵ قوانین برنامه چهارم، پنجم و ششم توسعه.

۶ بند ۵ قسمت پ ماده ۳: صدور مجوز فعالیت و پروانه بهره‌برداری برای اشخاص حقوقی واجد صلاحیت برای اکتشاف، توسعه، استخراج و تولید از کلیه میادین نفت و گاز کشور.



مجوزها و پروانه‌های صادره در عملیات بالادستی و پایین دستی نفت را هم، از جمله وظایف و اختیارات وزارت نفت در امور نظارتی دانسته است.^۱

قانون اساسنامه وزارت نفت، (مصوب ۲۳ فروردین ۱۳۹۵ کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی) از قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت نیز فراتر رفته و با اعطای اختیارات ویژه به وزیر نفت، صرف تأیید وزیر نفت را برای تعیین کلیات قراردادهای مهم نفتی شامل قیمت، مدت و اعمال شرایط عمومی قرارداد کافی دانسته است. لازم به ذکر است، در این حد نیز توقف نکرده و حتی عدم اعلام نظر از طرف وزیر نفت ظرف مدت معین را نیز، به منزله موافقت دانسته، بنا بر قانون، لازم الاجرا شدن خود به خودی قراردادهای مهم نفتی را بدون اعلام نظر وزیر نفت نیز، تجویز کرده است.^۲

تصویب نامه نحوه نظارت بر انعقاد و اجرای قراردادهای نفتی مصوب ۱۳/۰۵/۱۳۹۵، شاید در مقام بیان نحوه اجرای تأیید قراردادهای نفتی توسط وزیر نفت، با تأکید بر لزوم تأیید کلیات قراردادهای نفتی (شامل قیمت، مدت و اعمال شرایط عمومی) توسط وزیر، یک سری تکالیف قانونی برای وزارت نفت تعیین کرده است: اول اینکه توجیه فنی، اقتصادی، زیست محیطی، زمانبندی اجرا و بازپرداخت و سقف تعهد دولت را به تصویب شورای اقتصاد برساند؛ البته، تصویب قراردادهای مهم نفتی در شورای اقتصاد، در واقع به مفهوم کاهش سازوکار نظارتی است؛ زیرا شورای اقتصاد به عنوان زیرمجموعه‌ای از سازمان برنامه و بودجه، بخشی از دولت به حساب می‌آید و اعضای شورای اقتصاد همان افراد مجاز برای انعقاد قراردادهای نفتی هستند^۳ و نهاد نظارتی مستقل از متولی انعقاد قرارداد محسوب نمی‌شود. دومین تکلیف وزارت نفت ارسال یک نسخه از قرارداد ظرف ده روز از تاریخ نفوذ هر قرارداد به صورت طبقه‌بندی برای رئیس مجلس شورا است و تکلیف سوم، ارائه گزارش جهت بررسی و ارزیابی به هیئت عالی نظارت بر منابع نفتی ظرف ده روز از تاریخ نفوذ هر قرارداد می‌باشد.

بدیهی است واگذاری نظارت بر انعقاد قراردادهای نفتی در کنار سپردن حق اعمال حاکمیت بر منابع نفتی به دولت، موجبات عدم استقلال ناظر از عامل در قراردادهای مهم نفتی را فراهم می‌سازد؛ بنابراین، شاید بتوان مهمترین موضوع قابل بهبود قوانین نفتی، از منظر پیشگیری وضعی را حذف گام به گام نظارت نمایندگان مردم بر انعقاد قراردادهای نفتی (مقرر در قانون ۱۳۳۶) دانست؛

۱ بند ۷ قسمت ب ماده ۳ قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت: نظارت و پایش مجوزها و پروانه‌های صادره در عملیات بالادستی و پایین دستی نفتی.

۲ تبصره ماده ۳۹ قانون اساسنامه وزارت نفت: «کلیات قراردادهای مهم نفتی شامل قیمت، مدت و اعمال شرایط عمومی باید به تأیید وزیر نفت برسد. عدم اعلام نظر از طرف وزیر نفت ظرف مدت بیست روز به منزله موافقت است.»

۳ ماده ۱۲ قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت: وزیر نفت عضو شورای اقتصاد است.



زیرا با اعطای اختیارات گسترده به وزارت نفت و حذف نقش نظارتی مجلس شورای اسلامی در انعقاد قراردادهای نفتی فی مابین وزارت نفت یا واحدهای عملیاتی نفتی با اشخاص حقیقی و حقوقی داخلی و خارجی یک ساختار قانونی فاسد تشکیل می‌شود. در این سازوکار که برخلاف ضوابط ملی بودن مالکیت بر منابع نفتی محسوب می‌شود، ارتکاب هرگونه جرم یا فساد مرتبط با نفت در مرحله اکتشاف، تولید، توزیع و فروش نفت محتمل است.

پیشنهاد می‌شود تصویب قراردادهای مهم نفتی، دارای ویژگی‌هایی که آیین‌نامه تشخیص قراردادهای مهم نفتی ارائه داده (شامل مدت زمان قرارداد، ارزش مالی، حجم مبادلات، و غیره) به مجلس شورای اسلامی واگذار شود. همچنین، بسته به نوع قرارداد، (پیمانکاری و یا مشارکتی) تصویب مجلس و یا تأیید هیئت‌وزیران مقرر گردد. البته، یکی از معیارهای اهمیت، طرف قرارداد است که در اصل ۷۷ قانون اساسی لحاظ گردیده، اما نحوه نگارش این اصل در کنار نادیده انگاشتن دیگر معیارهای اهمیت قراردادها در عمل موجب نسخ ضمنی این اصل شده است.

۲. اختیارات نامحدود در انعقاد قراردادهای نفتی

از دیگر عوامل مؤثر در خصوص رعایت الزام تقویت قوانین از منظر پیشگیری از جرم و مبارزه با فساد در قوانین و مقررات نفتی، تعیین دامنه گسترده و بدون هرگونه محدودیت قانونی در انعقاد قراردادهای نفتی است؛ اهمیت این امر به ویژه در قوانین جدید التصوب با اعطای اختیار در انعقاد قراردادهای جدید نفتی آشکار می‌گردد؛ برای تبیین درست موضوع گریزی از بررسی قوانین مرتبط نیست.

با هدف تحقق بخشیدن به ملی شدن صنعت نفت و به منظور اجرای حق حاکمیت ملی بر منابع نفتی، قانون نفت ۱۳۳۶ همچنین قانون نفت ۱۳۵۳، ترتیبات مشارکتی را ممنوع^۱ و قراردادهای پیمانکاری را تجویز کردند.^۲ به موجب این قوانین، قراردادهای نفتی در قالب عاملیت مجاز بوده و پیمانکاران می‌بایست پس از اتمام عملیات اکتشاف، توسعه و بهره‌برداری منابع نفتی را به شرکت ملی نفت ایران واگذار نمایند.^۳

۱ تبصره ۲ ماده ۱ قانون ۱۳۳۶: منظور از عامل در این قانون هر شخصی است که در حدود مقررات این قانون مجاز به اجرا و اداره عملیات نفت باشد.

۲ بند ۲ ماده ۳ قانون ۱۳۵۳: شرکت ملی نفت ایران می‌تواند به منظور اجرای عملیات اکتشاف و توسعه نفت در بخش‌های آزاد نفتی با هر شخص اعم از ایرانی و خارجی وارد مذاکره شود و قراردادهایی را که مقتضی بدانند، بر مبنای پیمانکاری و با رعایت مقررات و مصراحت این قانون، تنظیم و امضا نماید.

۳ بند ۱ ماده ۳ قانون ۱۳۵۳: منابع نفتی و صنعت نفت ایران ملی است و اعمال حق حاکمیت ملت ایران نسبت به منابع نفتی در زمینه اکتشاف، توسعه، تولید، بهره‌برداری و پخش نفت در سرتاسر کشور و فلات قاره منحصراً به عهده شرکت ملی نفت ایران است که رأساً یا بوسیله نمایندگی‌ها و پیمانکاران خود در آن باره اقدام خواهد کرد.



با همین رویکرد، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، بر مالکیت مردم بر منابع نفتی تصریح و معادن که شامل مخازن نفت و گاز هم می شود را مانند دیگر انفال و ثروت های عمومی در اختیار حکومت اسلامی قرار داد تا بر طبق مصالح عامه مورد مدیریت و استفاده قرار گیرد.^۱ بنابراین، سرمایه گذاری مستلزم مالکیت سرمایه گذار بر منافع نفت و گاز، مخالف این اصل از قانون اساسی اعلام و اداره منابع نفتی اعم از صنایع بالادستی و پایین دستی جزء بخش انحصاری دولتی قلمداد شد. بر همین اساس، مشارکت، تملک، تصرف و سرمایه گذاری بخش خصوصی و تعاونی اعم از داخلی و خارجی در فعالیتهای نفتی ممنوع گردید (شیروی، ۱۳۹۵: ۳۱۵).

اولین قانون نفت کشور ایران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی (مصوب ۷ مهر ۱۳۶۶ مجلس شورای اسلامی) در سایه اصل ۴۵ قانون اساسی، با تأکید بر انفال بودن منابع نفت، آن را ثروت عمومی متعلق به ملت ایران و در اختیار حکومت اسلامی تعریف و به منظور جلوگیری از هرگونه نفوذ خارجی ها در صنعت نفت، هر نوع عملیات سرمایه گذاری خارجی (اعم از عملیات نفتی بالادستی و پایین دستی و صنایع مرتبط) را ممنوع اعلام^۲ و انعقاد قرارداد مشاوره، پیمانکاری، طراحی، تأمین کالا و ساخت و امثال آن را به صورت پیمانکاری و با منابع مالی وزارت نفت مجاز دانست (شیروی، ۱۳۹۵: ۳۰۵).

تغییر موضع قانونگذار در عبور از قراردادهای پیمانکاری به عنوان نوع مجاز قراردادهای نفتی، طی دو مرحله انجام شد؛ در گام نخست، سرمایه گذاری خارجی در بخش بالادستی صنعت نفت تجویز و در گام دوم، انعقاد قراردادهای مشارکتی مجاز گردید؛ البته، سرمایه گذاری خارجی در عملیات بالادستی نفت شامل اکتشاف، استخراج و انتقال نفت خام و گاز طبیعی نیز، طی دو مرحله تحقق یافت؛ ابتدا، قانون اجازه به شرکت ملی نفت ایران، جهت اجرای طرح های اکتشاف، توسعه و بهره برداری از میدان های نفت و گاز دریای خزر،^۳ در بخش محدودی از جغرافیای نفتی ایران و سپس، قانون تشویق و حمایت از سرمایه گذاری خارجی^۴ برای کل جغرافیای ایران، سرمایه گذاری

همچنین، ماده ۱۹ این قانون بیان می دارد: نفت تولید شده از منابع نفتی ایران در مالکیت شرکت ملی نفت ایران خواهد بود. شرکت مزبور نمی تواند هیچ قسمت از نفت را مادام که استخراج نشده است، به غیر انتقال دهد.

۱. اصل ۴۵ قانون اساسی: انفال و ثروت های عمومی از قبیل زمین های موات یا رها شده، معادن... در اختیار حکومت اسلامی است تا بر طبق مصالح عامه نسبت به آن ها عمل نماید.

۲. ماده ۱ و ماده ۲ قانون نفت ۱۳۶۶.

۳. قانون اجازه به شرکت ملی نفت ایران، جهت اجرای طرح های اکتشاف، توسعه و بهره برداری از میدان های نفت و گاز دریای خزر، (مصوب ۴ خرداد ۱۳۷۹ مجلس شورای اسلامی): به شرکت ملی نفت ایران اجازه داده می شود جهت اجرای طرح های اکتشاف، توسعه و بهره برداری از میدان های نفت و گاز دریای خزر با انعقاد قراردادهای لازم با شرکتهای داخلی و خارجی اقدام نماید.

۴. بند «دال» ماده ۲ قانون تشویق و حمایت از سرمایه گذاری خارجی (مصوب ۱۹ اسفند ۱۳۸۰ مجمع تشخیص مصلحت نظام) تعیین رشته های ممکن برای سرمایه گذاری خارجی را موقوف به آیین نامه ای که به تصویب هیئت وزیران می رسد، می نماید. در



خارجی در بخش بالادستی را مجاز دانست. متعاقباً، قوانین برنامه‌های چهارم (مصوب ۱۳۸۳/۰۶/۱۱)، پنجم (مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۱۵) و ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (مصوب ۱۳۹۵/۱۲/۱۴) با حذف تدریجی، محدودیت‌های سرمایه‌گذاری خارجی در بخش بالادستی صنعت نفت استفاده از انواع جدید قراردادهای نفتی را جایگزین قراردادهای پیمانکاری نمودند. بنابراین، با این تغییر موضع گام‌به‌گام قانونگذار انعقاد قرارداد مشارکتی در عملیات بالادستی نفت را مجاز دانست.

برخی از حقوقدانان، به دلیل عام بودن کلمه مشارکت، آن را معرف قالب خاصی از مشارکت در تولید دانسته و فقط مشارکتی که، مالکیت منابع نفتی را حفظ کرده و هیچ‌گونه حق مالکیتی برای پیمانکار ایجاد نکند را می‌پذیرند (گودرزی و باقری، ۱۳۹۴: ۱۶۲-۱۶۱). با این استدلال که عموماً قانون تشویق نمی‌تواند قوانین خاص ناظر به ممنوعیت سرمایه‌گذاری در عملیات بالادستی که مستظهر به قانون اساسی و سیاست‌های کلی اصل ۴۴ است را تخصیص بزند. (شیروی، ۱۳۹۵: ۳۱۸)؛ اما دیگر حقوقدانان بر این باورند که قانون‌گذار در قانون اساسنامه وزارت نفت، با عنایت به واقعیت‌های اقتصادی کنونی داخلی و بین‌المللی صنعت نفت، در پی انعطاف‌پذیری بیشتر در طراحی قرارداد بالادستی جدید بوده و به همین منظور، بر مواردی همچون حضور پیمانکار در مرحله تولید از میدان هیدرکربوری و امکان همکاری مشارکتی^۱ با طرف خارجی تصریح کرده است (ابراهیمی و شیرجیان، ۱۳۹۳: ۳). لازم به ذکر است برخی صاحب‌نظران، با استناد به قوانین جدید نفتی، حتی انعقاد مجدد امتیازنامه‌ها را هم مجاز دانسته‌اند (عامری فیصل و شیرمردی دزکی، ۱۳۹۳).

قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت (مصوب ۱۹ اردیبهشت ۱۳۹۱ مجلس شورای اسلامی) با گسترش اختیارات اعطایی به وزارت نفت در رابطه با سرمایه‌گذاری در عملیات بالادستی مندرج در قوانین پراکنده قبلی،^۲ صدور مجوز فعالیت در عملیات بالادستی،^۳ را از وظایف و اختیارات وزارت نفت دانست؛^۴ همچنین، به وزارت نفت برای توسعه میادین نفتی از طریق طراحی الگوهای

آیین‌نامه پیش‌گفته رشته‌ها تعیین نمی‌شود، اما در پیوست آیین‌نامه مصوب ۱۳۸۱/۰۶/۲۴، بخش‌ها و رشته‌های قابل سرمایه‌گذاری خارجی شمارش و به نفت خام و گاز طبیعی برای اکتشاف، استخراج و انتقال، به عنوان زیربخش معدن، تصریح شده است.

۱. بند ۹ ماده ۹ قانون اساسنامه وزارت نفت: تصویب سیاست‌های سرمایه‌گذاری و مشارکت با رعایت سیاست‌های کلی نظام و قوانین و مقررات مرتبط.

۲. قوانین برنامه چهارم، پنجم و ششم توسعه.

۳. بند ۵ قسمت پ ماده ۳: صدور مجوز فعالیت و پروانه بهره‌برداری برای اشخاص حقوقی واجد صلاحیت برای اکتشاف، توسعه، استخراج و تولید از کلیه میادین نفت و گاز کشور.

۴. بند ۷ قسمت ب ماده ۳ قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت.



جدید قراردادی از جمله مشارکت با سرمایه گذاران و پیمانکاران داخلی و خارجی مجوز داد.^۱ در واقع، وزارت نفت اختیار یافت که برای جذب و هدایت منابع مالی به سمت توسعه میادین نفت و گاز، روش های قراردادی جدید طراحی و با بخش خصوصی اعم از داخلی و خارجی مشارکت کند.^۲

با تصریح قانونگذار در قانون نفت ۱۳۹۱، بر امکان مشارکت در قراردادهای نفتی بالادستی، می توان بیان داشت این قانون برخلاف قانون اساسی و قانون نفت ۱۳۶۶ و حتی روح حاکم بر قانون ملی شدن صنعت نفت به نظر می رسد؛ زیرا قوانین پیش گفته ترتیبات مشارکتی را ممنوع و فقط قراردادهای پیمانکاری را مجاز می دانست، اما قانون جدید برخلاف رویه، به کارگیری سرمایه های خارجی و انعقاد گونه های جدید قرارداد نفتی از جمله مشارکت، را به عنوان تکلیف قانونی وزارت نفت اعلام کرده است.

صرف نظر از مغایرت مشارکت در قراردادهای نفتی بین المللی با قوانین بالادستی، تغییر رویه قانونی در رابطه با سرمایه گذاری خارجی در عملیات بالادستی نفتی، به خودی خود مغایرتی با کفایت قوانین برای پیشگیری از جرم ندارد؛ اما با توجه به اینکه مشارکت و مدیریت عملیات بالادستی، مالکیت را هم به دنبال دارد، بدیهی است عدم پیش بینی یک سازمان نظارتی مستقل از قوه مجریه در حین تجویز سرمایه گذاری خارجی در عملیات بالادستی نفتی می تواند موجبات نفوذ بر منابع نفتی ایران را فراهم سازد.

قوانین نفت ۱۳۵۳ و ۱۳۶۶ با لحاظ ممنوعیت هرگونه عملیات نفتی مشارکتی بالادستی و تجویز صرف فعالیت پیمانکاری نقش نظارتی مجلس را ملغی نمود، اما اکنون که قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت با تکلیف به انعقاد گونه های جدید قراردادی حاکم است، نظارت مجلس شورای اسلامی بر قراردادهای نفتی ضروری به نظر می رسد. به عبارت دیگر، اگر نمایندگان مردم در مجلس شورای اسلامی، دیدگاه بر لزوم ورود سرمایه گذار خارجی در عملیات های بالادستی

۱. بند ۳ قسمت ت ماده ۳ قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت: جذب و هدایت سرمایه های داخلی و خارجی به منظور توسعه میادین هیدروکربوری با اولویت میادین مشترک از طریق طراحی الگوهای جدید قراردادی از جمله مشارکت با سرمایه گذاران و پیمانکاران داخلی و خارجی بدون انتقال مالکیت نفت و گاز موجود در مخازن و با رعایت موازین تولید صیانت شده.
 ۲. واژه مشارکت کلمه ای عام است و برای تفسیر آن باید توجه داشت انواع قراردادهای بین المللی در زبان فارسی به قراردادهای مشارکتی ترجمه شده است. بنابراین، واژه کلی «مشارکت» مندرج در این بند نمی تواند الزاماً معرف قرارداد مشارکت در تولید باشد. البته، انتقال مالکیت محصول به پیمانکار در نقطه تحویل از اصول ذاتی قرارداد مشارکت در تولید است. همچنین، قرارداد مشارکت در تولید، حق مالکیت بر نفت و گاز موجود در چاه را به طرف قرارداد می دهد. در واقع، در این قرارداد با تعیین درصد مشخصی از تولید، به عنوان سهم طرف مقابل، از همان ابتدای قرارداد حق مالکیت بر نفت و گاز موجود در چاه، ایجاد می شود. و این حق مالکیت بر محصول مجوز رزرو میدان در بورس بین المللی نفت می گردد، در حالیکه در قراردادهای بیع متقابل صرف تعهد به فروش وجود دارد و نه اعطای حق مالکیت به پیمانکار (گودرزی و باقری، ۱۳۹۴: ۱۶۱-۱۶۲).



صنعت نفت دارند، پیشنهاد می‌شود برای پیشگیری از جرائم احتمالی، اولاً حدود اختیارات مذاکره‌کنندگان در انعقاد قراردادهای نفتی مشخص باشد؛ ثانیاً، روش لازم‌الاجرا شدن قرارداد، متناسب با میزان اهمیت آن تعریف شود.

روشن است عدم ارتباط معنادار بین نظارت و نوع قراردادهای نفتی و برقراری سازوکار قانونی یکسان برای همه انواع قراردادهای، از عاملیت تا مشارکت، مورد پذیرش نیست؛ شاید عدم نظارت مجلس بر قراردادهای عاملیت توجیه‌پذیر باشد، اما قطع به یقین، اعطای اختیار تام به وزارت نفت برای انعقاد قراردادهای جدید نفتی بدون نظارت مجلس ساختاری جرم‌زا و فساد آفرین بوده که امکان ارتکاب هرگونه جرم یا فساد مرتبط با نفت در مرحله اکتشاف، تولید، توزیع و فروش نفت را فراهم می‌سازد. و به وضوح، نیازمند اصلاح و بازنگری می‌باشد.

۳. قراردادهای نفتی بلندمدت

یکی از عوامل در ظاهر کم‌اهمیت، اما بسیار کاربردی^۱ به منظور رعایت الزامات پیشگیری از جرم و مبارزه با فساد در قوانین و مقررات نفتی، انعقاد قراردادهای نفتی بلندمدت است. برای تبیین نقاط آسیب‌زا که امکان ارتکاب جرم و یا فساد را فراهم می‌کند، به بررسی قوانین و مقررات حاکم به همراه سابقه تقنین در این خصوص پرداخته می‌شود.

مهم‌ترین شاخصه قراردادهای امتیازی، مدت طولانی قرارداد بود (فیصل عامری و شیرمردی دزکی، ۱۳۹۳: ۶۵). این رویه در سایه عدم تعیین تکلیف قانون در خصوص مدت مجاز قراردادهای نفتی ادامه داشت تا اینکه قانون نفت ۱۳۳۶ معروف به قانون تفحص، اکتشاف و استخراج نفت در سراسر کشور و فلات قاره، مدت اصلی قراردادهای نفتی را بیست و پنج سال اعلام نمود. اگرچه این بازه زمانی طولانی بوده و ممکن است معادل عمر مفید یک مخزن باشد، اما با توجه به طول مدت امتیازنامه‌ها در آن زمان،^۲ بازه زمانی پیش‌گفته، در واقع نوعی ایجاد محدودیت در مدت مجاز قرارداد به شمار می‌آمد.

ایجاد چارچوب قانونی در رابطه با مدت مجاز در قراردادهای نفتی در قوانین و مقررات بعدی مورد غفلت قرار گرفت و هیچ‌گونه معیار و ضابطه‌ای در این خصوص تعیین نشد؛ این امر در عمل سبب اختیار گسترده منعقدکنندگان قراردادهای نفتی در خصوص تعیین مدت قرارداد گردید؛ تا

۱. در توافقنامه انتقال که بین دولت بریتانیا و شرکت نفت ایران و انگلیس منعقد شد، مقرر گردید که دو نفر از طرف دولت بریتانیا در هیئت‌مدیره شرکت حضور داشته و در کلیه تصمیمات که به نفع ملی بریتانیا مربوط است، حق و تو داشته باشند. روز بعد، شرکت نفت ایران و انگلیس متعهد شد که به مدت سی سال نفت را با قیمت ثابت به نیروی دریایی بریتانیا بفروشد؛ یکی از ایرادات وارد به قرارداد کرسنت نیز همین ثبات قیمت در عین مدت طولانی قرارداد است که در سال ۱۳۸۱ بین شرکت ملی نفت با شرکت اماراتی کرسنت پترولیوم منعقد شده است.

۲. اکثر امتیازنامه‌ها برای مدت‌های طولانی بیش از ۵۰ سال منعقد می‌شدند (شیروی، ۱۳۹۵: ۱۹۹).



اینکه دولت به منظور پر کردن این خلأ قانونی به موجب تصویب نامه هیئت وزیران مورخ ۱۳/۰۵/۱۳۹۵ مدت مجاز قراردادهای نفتی را ۲۰ سال در نظر گرفت. لازم به ذکر است به موجب این تصویب نامه قراردادهای غیر پیوسته قابل تمدید پنج ساله هستند و برای قراردادهای پیوسته بالادستی نفت و گاز هیچ محدودیتی لحاظ نشده است.^۱ در همین راستا و با در نظر گرفتن اهمیت طول مدت قرارداد، دیگر قوانین و مقررات جدیدالتصویب نیز قراردادهای نفتی بیش از پنج سال، را به عنوان ملاک داری اهمیت لحاظ نموده و بر ضرورت تأیید و تصویب مدت قرارداد تصریح نمودند.^۲

طول مدت قرارداد معیار قابل ملاحظه‌ای است، زیرا در قراردادهای بلندمدت، احتمال تغییر قوانین و مقررات و در نتیجه بر هم خوردن تعادل اقتصادی قرارداد از یک طرف، و از طرف دیگر در نظر گرفتن مقتضیات زمان، در تعدیل مبلغ قرارداد دارای اهمیت است؛ جالب توجه اینکه، الزام به روزآوری قراردادهای نفتی در صورت تمدید بیش از پنج سال فقط در قانون نفت ۱۳۳۶ مورد توجه قرار گرفته است.^۳

عدم توجه به مدت قرارداد، در قراردادهای نفتی، ساختار معیوبی را تشکیل می‌دهد که می‌تواند به صورت رانتی جرم‌زا و فساد آفرین عمل نماید و موجبات ارتکاب هرگونه جرم یا فساد مرتبط با نفت و ضد نفت را در مرحله اکتشاف، تولید، توزیع و فروش نفت فراهم سازد. بنابراین، به منظور ارتقای کفایت قوانین نفتی از لحاظ پیشگیری از جرم و مقابله با فساد به اصلاح و بازنگری با در نظر گرفتن اهمیت طول مدت قرارداد نیازمند هستند. بدیهی است حتی قراردادی که در راستای تأمین منافع ملی، اما بلندمدت منعقد شده باشد، در صورت وجود شرط به‌روزرسانی قیمت، همچنین لحاظ اوضاع و احوال می‌تواند حفظ منافع ملی در بلندمدت را تضمین نماید.

۱. ماده ۷ تصویب نامه هیئت وزیران با عنوان «شرایط عمومی، ساختار و الگوی قراردادهای بالادستی نفت و گاز»، مصوب ۱۳/۰۵/۱۳۹۵ دوره مجاز قراردادهای نفتی را متناسب با زمان مورد نیاز اجرای طرح‌ها و حداکثر به مدت ۲۰ سال از تاریخ شروع عملیات توسعه در نظر گرفت که این زمان، در صورت اجرای طرح‌های افزایش تولید، متناسب با نیازهای عملیاتی و اقتصادی هر طرح تا مدت پنج سال قابل تمدید است و در مورد طرح‌های پیوسته حسب مورد به دوره قرارداد اضافه می‌شود.

۲. بند اول تصویب نامه در خصوص نحوه نظارت بر انعقاد و اجرای قراردادهای نفتی مصوب ۱۳/۰۵/۱۳۹۵: کلیات قراردادهای نفتی شامل قیمت، مدت و اعمال شرایط عمومی باید به تأیید وزیر نفت برسد؛ بند الف ماده ۱ آیین نامه تشخیص قراردادهای مهم نفتی و نحوه انعقاد آنها مصوب ۲۹/۷/۱۳۹۶ هیئت وزیران، قراردادهای صادرات گاز بیش از پنج سال به عنوان اولین بند از قراردادهای مهم نفتی احصا شده است.

۳. بند دال ماده ۷ قانون ۱۳۳۶: مدت اصلی قرارداد در مورد هر ناحیه حداکثر ۲۵ سال از تاریخ شروع بهره‌برداری تجاری در آن ناحیه خواهد بود، ولی ممکن است مدت قرارداد به درخواست هریک از طرف‌های شرکت ملی نفت ایران حداکثر برای سه دوره پنج ساله تمدید شود در دوره پنج ساله اول بر طبق شرایط مدت اصلی ولی در دو دوره بعد شرایط و مزایا و اوضاع روز، در نظر گرفته می‌شود.



پیشنهاد می‌شود قانونگذار در رابطه با سقف زمانی مجاز قراردادهای، لزوم بروزآوری قراردادهای بلندمدت، همچنین تعیین تکلیف برای لازم‌الاجرا شدن قراردادهای نفتی متناسب با زمان قرارداد، چارچوبی منطقی تعیین نماید.

۴. اختیارات گسترده قائم به شخص

از دیگر عوامل عدم انطباق قوانین و مقررات نفتی با الزام بازنگری قوانین با رویکرد پیشگیری از جرم و مبارزه با فساد، اعطای اختیارات قانونی به شخص وزیر نفت است که گستره تصویب بی سابقه آن در قوانین جدید، قابل تأمل به نظر می‌رسد.

طبق قوانین حاکم، اختیارات ویژه از جمله تأیید کلیات قراردادهای مهم نفتی شامل قیمت، مدت و اعمال شرایط عمومی قرارداد به وزیر نفت اعطا شده است.^۱ شایسته بود به منظور رعایت دیدگاه تفکیک قوا و تقسیم قدرت، همچنین رعایت مفاد قانون ملی شدن صنعت نفت، تأیید انعقاد قراردادهای نفتی به وزارت نفت و نه شخص وزیر، همچنین تصویب آن به مجلس شورای اسلامی واگذار می‌شد؛ علاوه بر این، اعطای گسترده وظایف به یک شخص، به نوعی تکلیف مالا یطاق به نظر می‌رسد، قانونگذار، عدم اعلام نظر از طرف وزیر نفت در بازه معین را به منزله موافقت دانسته است.^۲

از دیگر اختیاراتی که قانونگذار قانون اساسنامه به وزیر نفت اعطا نموده، امکان عضویت در هیئت مدیره یا مدیرعاملی شرکت یا شرکت‌های فرعی تابعه وزارت نفت است؛ این در حالی است که دیگر اعضای مجمع عمومی شرکت ملی نفت ایران از این امر نهی شده‌اند.^۳ لازم به ذکر است، نه تنها هیچ دلیل مشخصی برای استثنا دانستن وزیر نفت از این حکم بیان نشده، بلکه بر فرض که ممنوعیت برای اعضای دیگر هیئت مدیره به منظور پیشگیری از احتمال وقوع جرم باشد، این امر برای وزیر نفت با اختیارات گسترده قانونی به طریق اولی محتمل است.

شاید، برجسته‌ترین موضوع قابل بهبود در مجموعه قوانین نفتی که می‌تواند بستر ارتکاب جرائم نفت و ضد نفت را در مرحله اکتشاف، تولید، توزیع و فروش نفت فراهم سازد، اعطای اختیارات قانونی گسترده به یک نفر در زمینه تعیین شرایط، انعقاد و تأیید قراردادهای نفتی مذکور در قانون اصلاح قانون نفت است؛ تجمع و انحصار اختیار انعقاد و نظارت بر نحوه انعقاد قراردادهای مهم نفتی ذاتاً فساد آفرین بوده و به نظر قابل توجیه نمی‌باشد.

۱. تبصره ماده ۳۹ قانون اساسنامه وزارت نفت؛ تصویب‌نامه نحوه نظارت بر انعقاد و اجرای قراردادهای نفتی مصوب ۱۳۹۵/۰۵/۱۳.

۲. تبصره ماده ۳۹ قانون اساسنامه وزارت نفت.

۳. تبصره ماده ۸ همان قانون؛ هیچ یک از اعضای مجمع عمومی شرکت نمی‌توانند به عنوان عضو اصلی یا علی‌البدل هیئت مدیره یا مدیرعامل شرکت یا شرکت‌های فرعی تابعه منصوب شوند. وزیر نفت، از حکم این تبصره مستثنی است.



لازم به ذکر است، رعایت اخلاق معنوی و اجتماعی از منظر پیشگیری اجتماعی با همه اهمیتی که دارد، برای پیشگیری از همه جرائم کافی نیست. اگر این گونه بود، اشخاصی که اخلاق مند هستند، نباید هیچ گاه مرتکب جرم شوند، در حالی که همواره چنین نیست. (شمس ناتری و توسلی زاده، ۱۳۹۰: ۲۰۰). بنابراین، با توجه به عدم کفایت پیشگیری اجتماعی و اقبال جرم شناسان به پیشگیری وضعی، پیشنهاد می شود قانونگذار نیز با همین رویکرد، از تفویض کلیه اختیارات در انعقاد قراردادهای نفتی را به یک نفر عدول نموده و با تقسیم قدرت بین قوه مجریه و قوه مقننه، تأمین منافع ملی در زمینه منابع نفتی را تضمین نماید.

۵. قراردادهای نفتی انحصاری

دیگر خلاء قانونی در قوانین و مقررات نفتی، که شایسته است به منظور رعایت الزام قانونی در خصوص ارتقای قوانین با دیدگاه پیشگیری از جرم و مبارزه با فساد، تعیین تکلیف گردد، عدم تفکیک شرایط انعقاد قراردادهای نفتی انحصاری از دیگر قراردادها است؛ این امر در حال حاضر که امکان انعقاد قرارداد مشارکت در عملیات بالادستی نفتی وجود دارد، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ زیرا امکان انعقاد قرارداد مشارکتی انحصاری فراهم می‌باشد که می‌تواند فضای لازم برای ارتکاب جرم و فساد را فراهم سازد. جالب توجه اینکه، قانون اساسی مشروطه مصوب ۱۲۸۵/۱۰/۸ نفوذ قراردادهای انحصاری را مشروط به تصویب مجلس شورای ملی می‌دانست^۱؛ اما قوانین حاکم هیچ چارچوبی در این خصوص تعیین نکرده است.

۶. عدم اخذ تضمینات مناسب

تفنین در خصوص اخذ تضمین مناسب برای قراردادهای نفتی نیز، موضوعی است که می‌تواند به عنوان یک فرصت بهبود برای جاری‌سازی رویکرد پیشگیری وضعی از جرم در قوانین نفتی، مورد توجه قرار گیرد؛ علی‌رغم صراحت ماده ۱۵ قانون نفت ۱۳۳۶، که شرکت ملی نفت ایران را مکلف به اخذ ضمانت کافی از طرف قرارداد به منظور اجرای تعهدات می‌نمود، ماده ۱۱ قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت، بدون هیچ دلیلی واگذاری و اجرای طرح‌های مربوط به اکتشاف، توسعه، تولید، تعمیر و نگهداشت میادین مشترک نفت و گاز را با تأیید وزیر نفت از مشمول قانون برگزاری مناقصات مستثنی نمود.

بدیهی است اگر اجرای ضوابط قانون مناقصات برای قراردادهای نفتی با طرف داخلی و در حیطه موضوعات پایین دستی نفت، برای پیشگیری از جرم و فساد ضروری باشد، اخذ تضمینات با

۱. اصل بیست و چهارم قانون اساسی مشروطه مصوب ۱۲۸۵/۱۰/۸ لحاظ شده بود، بستن عهدنامه‌ها و اعطای امتیازات انحصاری را اعم از اینکه طرف داخلی باشد یا خارجی، منوط به تصویب مجلس شورای ملی می‌دانست.



اشخاص خارجی در حیطه قراردادهای بالادستی نفتی آن هم در میادین مشترک به طریق اولی ضرورت دارد. پیشنهاد می‌شود به منظور پیشگیری از ارتکاب جرائم نفت و ضد نفت در مرحله اکتشاف، تولید، توزیع و فروش نفت، قوانین در رابطه با اخذ تضمین در قراردادهای مهم نفتی مورد بازنگری و اصلاح قرار گیرد.

۷. محرمانگی در قراردادهای نفتی

این موضوع که پیشگیری و مبارزه با فساد در گام اول مستلزم رعایت شفافیت در حوزه‌های مختلف می‌باشد، قابل انکار نیست. با این وجود، تعریف یک حیطه محرمانگی وسیع، در قوانین و مقررات نفتی موضوع سؤال برانگیزی است؛ زیرا قوانین حاکم با ایجاد مانع در مقابل اجرای شفافیت، امکان اجرای قوانین مصوب در راستای پیشگیری از جرم و مبارزه با فساد را در قلمرو قوانین و مقررات نفتی سلب و بستر ارتکاب فساد را فراهم نموده است.

علی رغم تصویب قوانین مختلف به منظور انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات،^۱ محرمانه تلقی کردن قراردادهای نفتی سبب استثنا شدن این قراردادها از دیگر قراردادهای دولتی را فراهم ساخته است. اهمیت این موضوع با بررسی قوانین و مقررات جدیدالتصوب مثل قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات^۲ (مصوب ۴ بهمن ۱۳۸۸) قانون ارتقای سلامت نظام اداری و مقابله با فساد^۳ منشور

۱. قوانین مصوب در راستای شفافیت: ماده ۴۴ قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی؛ بند الف ماده ۲۳ قانون برگزاری مناقصات مصوب ۱۳۸۳؛ لایحه تشدید مجازات سوءاستفاده کنندگان از اطلاعات منتشر نشده و نیز افشای غیرقانونی اطلاعات اشخاص در دستگاه‌های مختلف؛ لایحه حمایت از مخبران و شهود؛ لایحه نحوه پاسخ‌گویی به مردم و تأمین و تولید اطلاعات مورد نیاز دستگاه‌ها و واحدهای نظارتی و بازرسی؛ قوانین مربوط به بازار سرمایه از جمله قانون تأسیس سازمان بورس و اوراق بهادار در جهت ممنوعیت استفاده از اطلاعات قبل از انتشار عمومی آن و ممنوعیت معاملات کارگزاران و کارمندان بورس؛ بند دال ماده ۷ قانون مبارزه با پول‌شویی و بند ۴ ماده ۷ و ماده ۲۰ مصوبه شورای پول و اعتبار، قانون بهبود محیط کسب و کار.

۲. ماده ۲ قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات: هر شخص ایرانی حق دسترسی به اطلاعات عمومی را دارد، مگر آنکه قانون منع کرده باشد؛ ماده ۱۰: هر یک از مؤسسات عمومی باید جز در مواردی که اطلاعات دارای طبقه‌بندی می‌باشد، در راستای نفع عمومی و حقوق شهروندی ... اطلاعات عمومی خود را منتشر سازند؛ ماده ۱۳: ... دسترسی به اطلاعات طبقه‌بندی شده تابع قوانین و مقررات خاص خود خواهد بود.

۳. بند ب ماده ۳ قانون ارتقای سلامت نظام اداری و مقابله با فساد: متن قراردادهای مربوط به معاملات متوسط و بالاتر موضوع برگزاری قانون مناقصات که به روش مناقصه، مزایده، ترک تشریفات و غیره... منعقد می‌شود و همچنین، اسناد و ضمایم آن و هرگونه الحاق، اصلاح، فسخ، ابطال و خاتمه قرارداد بیش از موعد و تغییر آن و نیز کلیه پرداخت‌های مربوط به این قراردادها باید در پایگاه اطلاعات قراردادهای وارد شوند. تبصره ۱: قراردادهایی که ماهیت نظامی یا امنیتی دارد و نیز مواردی که به موجب قوانین، افشای اطلاعات آن‌ها ممنوع است و یا قراردادهای محرمانه از شمول این حکم مستثنی است.

حقوق شهروندی^۱ (ابلاغیه ۲۹ آذر ۱۳۹۵)، به خوبی آشکار می‌شود؛ زیرا علی‌رغم اینکه این قوانین در راستای مبارزه با فساد به تصویب رسیده تا حق غیرقابل سلب مردم و در مقابل، تکلیف دولت در عملکرد شفاف را محقق سازد و با رویکرد پیشگیری وضعی به مقابله با فساد پردازد؛ لیکن تمامی قراردادهای نفتی بدون تعیین حد و مرزی محرمانگی به صورت کامل استتار شده است.^۲

این در حالی است که کنوانسیون مریدا علاوه بر الزام به ارزیابی کفایت قوانین از منظر پیشگیری از جرم در خصوص ارتقای شفافیت نیز تصریح دارد.^۳ مضافاً، اینکه قانون ارتقای سلامت نظام اداری و مبارزه با فساد، همچنین سند تحول قضایی با رویکرد پیشگیری از وقوع جرائم به گسترش شفافیت توجه ویژه دارد؛ شایسته است قانونگذار در راستای رعایت اصل برابری همه اشخاص در برابر قانون و نیز اجرایی کردن بند ۷ از فرمان ۸ ماده‌ای مقام رهبری که هر نوع تبعیض در امر مبارزه با فساد را منع می‌نماید،^۴ (ابراهیمی و صفایی آتشگاه ۱۳۹۴: ۱۹) عدم شمول قوانین در راستای مبارزه با فساد را نسبت به قراردادهای نفتی مورد اصلاح و بازنگری قرار دهد.

بحث و نتیجه‌گیری

ارزیابی قوانین و مقررات نفتی ایران با رویکرد پیشگیری وضعی و به منظور بررسی کفایت آن‌ها از لحاظ پیشگیری از جرم و مبارزه با فساد در قراردادهای نفتی منتج به این نتیجه شد که این قوانین، کفایت لازم برای پیشگیری از جرائم نفتی را ندارد؛ با توجه به استخراج ساختارهای جرم‌زا و فسادآفرین از مجموعه قوانین نفتی، مهم‌ترین اقدامات اصلاحی قانونی می‌تواند شامل موارد ذیل باشد: ۱. ایجاد الزام بر دو رکنی بودن فرآیند تصویب قراردادهای مهم نفتی به منظور فراهم شدن امکان نظارت مجلس شورای اسلامی بر قراردادهای مهم نفتی،^۲ تعیین محدوده اختیارات منعقدکنندگان قراردادهای نفتی،^۳ تعیین سقف زمانی مجاز در قراردادهای نفتی، همچنین لزوم تصریح به شرط به‌روزآوری در قراردادهای بلندمدت،^۴ حذف اختیارات گسترده قائم به شخص،

۱. ماده ۳۰ منشور حقوق شهروندی: حق شهروندان است که به اطلاعات عمومی موجود در مؤسسات عمومی و مؤسسات خصوصی ارائه‌دهندگان خدمات عمومی دسترسی داشته باشند. همه دستگاه‌ها و نهادها موظف به انتشار مستمر اطلاعات غیرطبقه‌بندی‌شده و مورد نیاز جامعه می‌باشند.

۲. ماده ۱۵ قانون اصلاح قانون نفت مصوب ۱ تیر ۱۳۹۰: وزارت نفت و شرکت‌های تابعه یک نسخه از قراردادهای منعقد... را به صورت محرمانه به مجلس شورای اسلامی تسلیم می‌نماید.

۳. بند ۴ ماده ۷ کنوانسیون: هر کشور عضو، بر اساس اصول قانون داخلی خود، تلاش خواهد کرد تا نظام‌هایی که شفافیت را ارتقا می‌دهد، اتخاذ و تحکیم بخشد.

۴. بند ۷ فرمان ۸ ماده‌ای به سران قوا درباره مبارزه با مفاسد اقتصادی: در امر مبارزه با فساد نباید هیچ تبعیضی دیده شود. هیچ کس و هیچ نهاد و دستگاهی نباید استثنا شود. هیچ شخص یا نهادی نمی‌تواند با عذر انتساب به اینجانب یا دیگر مسئولان کشور، خود را از حساب‌کشی معاف بشمارد. با فساد در هر جا و هر مسند باید برخورد یکسان صورت گیرد.



۵. ممنوعیت انعقاد قراردادهای نفتی انحصاری، ۶. لزوم اخذ تضمینات مناسب ۷. ارتقای شفافیت در قوانین و مقررات نفتی.

لازم به ذکر است، طبق قوانین جدیدالتصویب از طرفی با عبور از قراردادهای عاملیت، جذب سرمایه‌گذاری خارجی برای قراردادهای بالادستی نفتی و طراحی الگوهای جدید قراردادی از جمله مشارکت با سرمایه‌گذاران خارجی به عنوان یک الزام قانونی بیان شده، از طرف دیگر، با عدول از قوانین قبلی امکان نظارت نمایندگان مردم در مجلس شورا بر قراردادهای نفتی در عمل حذف گردیده است؛ به عبارت دیگر، قراردادهای نفتی که طبق قوانین قبلی، پس از مرحله مذاکرات می‌بایست تأیید هیئت وزیران و تصویب مجلس را کسب می‌نمود تا لازم‌الاجرا شود، طبق قوانین حاکم، با تأیید وزیر نفت و حتی در مواردی با سکوت وی، لازم‌الاجرا است. به عبارت دیگر، انعقاد قرارداد بالادستی و مهم نفتی به نحو مشارکت به صورت بلندمدت و بدون اخذ تضمینات و به صورت انحصاری از لحاظ قانونی مجاز است، در حالی که این قرارداد به صورت تک‌رکنی، و با صرف امضای وزیر و یا بدون امضای وی، لازم‌الاجرا است.

اعطای هم‌زمان اختیارات گسترده قایم به شخص در نوع، زمان، تضمینات، قرارداد انحصاری محرمانه به همراه حذف نهاد نظارتی مستقل، به معنای ایجاد ساختار قانونی معیوبی است که امکان ارتکاب هر گونه جرم یا فساد را فراهم می‌سازد. مجموع این عوامل در کنار هم به روشنی به معنای عدم کفایت قوانین نفتی برای پیشگیری از جرم و مبارزه با فساد است؛ این گونه خطاهای قانونی می‌تواند منجر به برقراری تعهدات بلندمدت مغایر با منافع ملی و باز شدن دست بیگانگان بر منابع نفتی کشور گردد.

سپاسگزاری

پژوهشگران، از عزیزانی که در فرآیند ویراستاری ادبی و صفحه‌آرایی این مقاله همکاری و راهنمایی داشتند، کمال تشکر و امتنان را دارند.



منابع

- ۱۰ - ابراهیمی، سید نصرالله؛ شیرجیان، محمد (۱۳۹۳). «قراردادهای بالادستی نفت و گاز نظام جمهوری اسلامی ایران و تبیین دلالت‌های قانونی و الزامات قراردادهای جدید»، فصلنامه اقتصاد انرژی ایران، شماره ۱۰، ۱-۳۹.
- ۱- ابراهیمی، سید نصرالله؛ شیرجیان، محمد. (۱۳۹۳). قراردادهای بالادستی نفت و گاز نظام جمهوری اسلامی ایران و تبیین دلالت‌های قانونی و الزامات قراردادهای جدید. *فصلنامه اقتصاد انرژی ایران*، ۳ (۱۰)، ۱-۳۹.
- https://jjee.atu.ac.ir/article_532.html
- ۱- ابراهیمی، شهرام؛ صفایی آتشگاه، حامد. (۱۳۹۴). رویکرد قانون گذار به پیشگیری از جرم در قانون ارتقای سلامت نظام اداری و مقابله با فساد. *پژوهشنامه حقوق کیفری*، ۲ (۱۲)، ۷-۳۱.
- https://jol.guilan.ac.ir/article_1391.html
- ۱- امانی، مسعود؛ حمیدزاده، محمدحسین. (۱۳۹۴). تحلیل حقوقی قراردادهای مشارکت در تولید صنایع بالادستی نفت و گاز و قابلیت اعمال آن در حقوق ایران. *پژوهشنامه حقوق اسلامی*، ۱۶ (۴۱)، ۱۵۱-۱۸۰.
- https://ilr.journals.isu.ac.ir/article_1771.html
- ۱- امور حقوقی شرکت ملی نفت ایران. (۱۳۹۳). *مجموعه قوانین و مقررات نفت، گاز و پتروشیمی (پیش از مشروطیت تاکنون)*. جلد ۱. تهران: شرکت ملی نفت ایران.
- ۱- امور حقوقی شرکت ملی نفت ایران. (۱۳۹۳). *مجموعه قوانین و مقررات نفت، گاز و پتروشیمی (پیش از مشروطیت تاکنون)*. جلد ۲. تهران: شرکت ملی نفت ایران.
- ۱- امور حقوقی شرکت ملی نفت ایران. (۱۳۹۰). *گزیده قوانین و مقررات حاکم بر صنعت نفت*. تهران: شرکت ملی نفت ایران.
- ۱- بابایی، محمدعلی؛ نجیبیان، علی. (۱۳۹۰). چالش‌های پیشگیری وضعی از جرم. *مجله حقوقی دادگستری*، ۷۵ (۷۵)، ۱۷۲-۱۴۷.
- http://www.jlj.ir/article_11079.html
- ۱- جلالی، محمود؛ وحید، قاسمی. (۱۳۹۴). قلمرو انطباق رویکرد قانونگذار ایران با مقررات متحدالشکل مقابله با فساد در کنوانسیون مریدا. *فصلنامه مطالعات حقوق عمومی*، ۳ (۴۵)، ۴۰۳-۳۸۱.
- https://jplsqu.ut.ac.ir/article_55794.html
- ۱- خلجی، روح اله. (۱۳۹۴). درآمدی بر حقوق کیفری نفت و گاز ایران. *فصلنامه حقوقی مجد*، ۱۰ (۳۳)، ۱-۱۰.
- <http://icmstudy.ir>
- ۱- حسینی، سید ابراهیم. (۱۳۹۷). نقش قوانین در پیشگیری از جرم‌ها و آسیب‌های اجتماعی. *فصلنامه مطالعات اسلامی آسیب‌های اجتماعی*، ۱ (۲)، ۸۱-۱۰۶.
- http://fssh.shahed.ac.ir/article_736.html
- ۱- خلف رضایی، حسین. (۱۳۹۵). شرح مبسوط قانون اساسی شرح اصل ۷۷ قانون اساسی. تهران: پژوهشکده شورای نگهبان.



- سلمان پور، عباس؛ هادی تبار، اسماعیل. (۱۳۹۳). سیاست جنایی تقنینی ایران در پذیرش الزامات پیشگیرانه کنوانسیون مریدا. *فصلنامه سیاست جهانی*، ۳ (۱)، ۳۰۰-۲۶۹.

https://interpolitics.guilan.ac.ir/?_action=article&au=3383&_au=++.&lang=fa

- شمس ناتری، محمدابراهیم؛ توسلی زاده، توران. (۱۳۹۰). پیشگیری وضعی از جرائم اقتصادی. *فصلنامه حقوق*، ۴۱ (۴)، ۲۱۷-۱۹۹.

https://jlq.ut.ac.ir/article_29768.html

- شیروی، عبدالحسین. (۱۳۹۵). حقوق نفت و گاز. تهران. میزان.

- عالی پور، حسن. (۱۳۹۴). الگوی جدید قراردادهای نفتی. دیده بان امنیت ملی. ۴۵ (۱)، ۳۰-۲۳.

<https://www.noormags.ir/view/fa/magazine/number/93275>

- عامری، فیصل؛ شیرمردی دزکی، محمدرضا. (۱۳۹۳). قراردادهای امتیازی جدید و منافع کشورهای تولیدکننده نفت: تحلیلی بر مالکیت نفت، نظارت و مدیریت دولت میزبان و رژیم مالی قراردادها. *فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی*، ۲ (۶)، ۱۰۸-۶۳.

https://jplr.atu.ac.ir/article_655.html

- گودرزی، زهرا؛ باقری، محمود. (۱۳۹۴). تحلیل قوانین جدید در حوزه نفت و گاز و بررسی ظرفیت قانونی موجود در پذیرش تحولات قراردادی. *دو فصلنامه مطالعات حقوق انرژی*، ۲ (۲)، ۱۶۶-۱۵۳.

https://jrels.ut.ac.ir/article_57208.html

- نظری نژاد، محمدرضا؛ اسفندیاری فر، خشایار. (۱۳۹۵). بررسی تطبیقی کنوانسیون بین المللی مبارزه با فساد مالی و قانون ارتقای سلامت نظام اداری. *پژوهشنامه حقوق کیفری*، ۷ (۱۳)، ۲۱۵-۱۹۱.

https://jol.guilan.ac.ir/article_1758.html

- نیازپور، امیرحسن. (۱۳۹۴). پیشگیری از فساد اداری-مالی در پرتو آیین نامه پیشگیری و مقابله نظام مند. پایدار با مفاسد اقتصادی در قوه مجریه ۱۳۹۲. *فصلنامه راهبرد*، ۳ (۷۶)، ۷۸-۶۱.

<https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1107076>